

روایت و هشدار

تشر

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۸۸

تاثیرروانی جرایم خشن بر امنیت

امنیت در جامعه مستلزم همکاری تمام سازمان‌ها و نهادها و آحاد جامعه است. بدون مشارکت کلیه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با موضوعات امنیتی نمی‌توان امنیتی پایدار و باثبات برقرار کرد. یکی از عواملی که امنیت جامعه را خدشه‌دار می‌کند جرایم خشن است.

این‌گونه جرایم، علاوه بر این‌که خود جرم و قانون‌شکنی هستند و آزاردهنده محسوب می‌شوند، به دلیل ویژگی خشن‌شان و تأثیری که بر احساس امنیت جامعه می‌گذارند، بسیار ناپه‌نجا هستند و نیازمند برخورد جدی. اخیراً متأسفانه با نوعی از جرایم خشن مواجه شده‌ایم که بعضاً مجرمان در روز روشن و در ملأ عام در اتوبان‌ها و خیابان‌ها جلوی رانندگان را می‌گیرند و با تهدید آنها با سلاح‌های سرد و قمه زورگیری کرده و اموال بارزش‌شان را ربوده و صحنه را ترک می‌کنند.

این نوع جرم تنها با مجازات سرقت مواجه نیست، بلکه به دلیل خشن‌بودن و قابل‌مشاهده‌بودن توسط تعداد زیادی از افراد حاضر در صحنه، باعث ایجاد رعب و ترس در مردم و کاهش احساس امنیت روحی، روانی و جانی آنها می‌شود. به همین دلیل، جبران آثار این جرایم نیز بسیار دشوار است و اثرات ماندگاری بر ذهنیت افراد می‌گذارد. بنابراین، باید با این‌گونه جرایم به شدت برخورد شود. در این راستا، انتظار می‌رود که پلیس با قاطعیت، قدرت و سرعت بالا و بدون اغماض در مبارزه با این امر اقدام کند و سایر سازمان‌ها و نهادهای مرتبط نیز وظایف خود را در جلوگیری از این‌گونه جرایم خشن به‌درستی انجام دهند. بر این اساس قوه قضاییه به‌عنوان مجری قانون باید به‌شدت و با اشد مجازات با این‌گونه قانون‌شکنان برخورد کند. لذا سرعت‌عمل در رسیدگی به جرم این افراد و در نظر گرفتن حداکثر مجازات قانونی به‌دلیل تأثیری که بر امنیت روانی جامعه گذاشته‌اند، مطالبه می‌گردد. این افراد نباید بتوانند با گذاشتن وثیقه و یا امور مشابه آزاد شوند تا الگویی باشند برای دیگر مجرمان و هزینه جرم برای آنها به قدری بالا برود که نه خود و نه دیگران این جرم را دیگر تکرار نکنند. همچنین از دیگر سازمان‌های مرتبط با موضوع به‌ویژه از صداوسیما انتظار می‌رود که نحوه برخورد با مجرمان خشن و عاقبت جرم آنها به بهترین نحو به مردم منتقل شود تا هم احساس امنیت مردم ترمیم گردد و هم سایر مجرمان عبرت گرفته و از تکرار چنین جرایمی بپرهیزند.



گرگ‌های جاده

راستش ترسیدم و تصورات بدی به سرعت از ذهنم گذشت بلافاصله گفتم: من پیاده می‌شوم و با ماشین دیگری می‌روم. راننده گفت: نمی‌شود صبر کن با هم می‌رویم دیگر مطمئن شدم که رنگی به کفش‌شان است ناراحت شدم و با صدای بلند اصرار کردم که نگه دارد ولی توجهی نکرد؛ راننده سرم داد کشید و گفت: خفه شو! اینجا دیگر درب ماشین را باز کردم و گفتم اگر نگه نداری خودم را پایین می‌اندازم. راننده بلافاصله سرعت را کم و ماشین را از جاده خارج کرد و به حاشیه خاکی برد.

پیاده شدم و به سمت صندوق عقب ماشین رفتم تا گوسفند را بردارم که دیدم راننده آمد؛ بقیه لباسم را گرفت و مرا کشان‌کشان از ماشین دور کرد و بعد هم مرا هل داد که افتادم و به سرعت دوید و با ماشین فرار کرد. من هم ناباورانه در حالی که همه لباس‌هایم خاکی شده بود، با چشم‌گریبان و دلی شکسته سر جاده آمدم و به محل سکونتم برگشتم. الان هم برای شکایت به کلانتری آمده‌ام....

نکردند؛ باز هم منتظر شدم تا این‌که یک پژوی سفیدی آمد و چند متری هم رد شد بعد توقف کرد و دنده عقب گرفت و آمد جلوی من ایستاد. دو سرنشین داشت که راننده گفت: کجا می‌روی پدرجان؟ گفتم: مشهود می‌روم چون این گوسفند را نذر امام رضا(ع) کرده‌ام. کمی فکر کرد و گفت: گرچه ماشین کثیف می‌شود و بو می‌گیرد ولی چون نذر امام رضاست می‌برمت.

راننده صندوق ماشین را باز کرد کمی وسیله داشت؛ پارچه‌ای روی آنها کشید و گوسفند را در صندوق گذاشتم و حرکت کردیم. خیلی خوشحال بودم که کار راه افتاد. گاهی با هم صحبت می‌کردند، به قاین که رسیدیم راننده گفت: باید بنزین بنزیم؛ رفتیم پمپ بنزین و حرکت کردیم. راستش خیالم راحت بود و اولش هم متوجه نشدم از مسیر اصلی خارج شده‌اند ولی چند دقیقه‌ای که گذشت دیدم به بی‌راهه می‌رود. گفتم: بیخشید این مسیر مشهود نیست! کجا می‌رویید؟ راننده گفت: باید بروم و امانتی یکی از آشنایان را بگیرم و مشهود تحویل بدهم.

بچه‌های کلانتری با این‌که هنوز نمی‌دانستند ماجرا چیست، به او دل‌داری دادند تا آرام شود. بعد از او خواستیم ماجرا را از اول تعریف کند. پیرمرد گفت: از مال دنیا یک خانه، یک زمین کشاورزی و حدود ۲۰ راس گوسفند دارم. البته قبلاً ۵۰ گوسفند داشتم ولی با این خشکسالی و کمبود علوفه همین ۲۰ تا را هم به سختی نگهداری می‌کنم.

حدود یک ماه است که گوسفندی را به نیتی، نذر امام رضا(ع) کرده‌ام. تا الان دو سه بار همین طور نذر کرده‌ام یعنی خودم گوسفند را می‌برم و به بخش نذورات آستان قدس تحویل می‌دهم؛ گرچه بردنش با وسیله‌های عبوری زحمت دارد و هر کسی حاضر نمی‌شود گوسفند را در صندوق ماشینش بگذارد ولی با این وجود ادای نذر برایم خیلی مهم است. بالاخره دیروز بعد یک ماه شرایط فراهم شد؛ گوسفند را آوردم سر جاده و منتظر شدم تا ماشین‌هایی که به سمت مشهد می‌روند ما را سوار کنند.

با سه چهار راننده سواری و سنگین صحبت کردم ولی به خاطر بودن گوسفند قبول

نظریه کارشناس

طرف تبعات منفی و سنگینی داشته باشد مثل همین مورد برای مسافر بیچاره یا مواردی که مسافر سر راهی حامل مواد مخدر یا اشیای ممنوعه بوده و راننده دلسوز و از همه جا بی‌خبر را به دردسری بزرگ می‌اندازد. در پایان لازم است به این نکته آموزش همگانی توجه کنیم که همواره با رعایت احتیاط مبتنی بر عقل، حفظ خونسردی و اقدام به موقع می‌توان ابتکار عمل را از سارقان گرفت. برای مثال: در همین پرونده اگر مسافر داستان ما هنگام سوار شدن شماره پلاک خودرو را برمی‌داشت و بعد از حرکت با یکی از آشنایانش تماس می‌گرفت و شماره خودرو را طوری که راننده هم بشنود به او اعلام می‌کرد؛ فقط ممکن بود راننده به بهانه‌ای او را با خودش نبرد و پیاده کند اما قطعاً بحث سرقت منتفی می‌شد.

سروان منصور مهدوی، معاونت فرهنگی و اجتماعی فرمانده انتظامی خراسان جنوبی با اشاره به این پرونده هشدار داد: با پیگیری پلیس در کمتر از ۲۴ ساعت فرد سارق شناسایی، دستگیر و خودرو توقیف شد. با بررسی به عمل آمده معلوم شد خودرو متعلق به سارق نیست و آن را به صورت امانتی از اقوامش گرفته است. دو نکته در این پرونده دارای اهمیت آموزشی است. اول این‌که هیچ‌گاه نباید وسیله نقلیه خود را در اختیار افراد غیر مطمئن قرار دهیم؛ هر چند از اقوام و آشنایان باشد. متأسفانه مواردی بوده که افراد با خودرویی که امانت گرفته‌اند، اقدام به حمل و جابه‌جایی مواد مخدر کرده یا حتی اقدامات سوء امنیتی انجام داده‌اند. دوم این‌که سوار شدن در خودروهای عبوری شخصی ناشناس می‌تواند برای هر دو